

حقوق بیمار در قرآن و روایات

لیلا فرجی^۱

چکیده

اخلاق جمع خلق است و به معنای خوی‌ها آمده یعنی همان که به سرشت، طبع، سنجیه و عادت نیز تعبیر می‌شود و در زبان یونانی به آن «اتیکس» Etics می‌گفته‌اند که به مفهوم رفتار و عادت‌های انسان یا حیوان است، به عبارت دیگر اخلاق یعنی رفتار و اصول حاکم بر سلوک درست انسان.

آدمی همواره بر طبق فطرتش رفتار نمی‌کند و گاه اصول اخلاقی را زیر پا می‌گذارد؛ به همین سبب در جوامع انسانی همواره به ناصحانی نیاز داشته‌اند و در این میان، پیغامبران الهی بهترین پنددهندگان بوده‌اند. پیشاپیش همه آنان، پیامبر اسلام π قرار می‌گیرد، چرا که فلسفه پیامبری‌اش را کامل کردن خلق و خوی انسان اعلام می‌کند. اگر ما اخلاق را هدف بدانیم به خطا نرفته‌ایم، زیرا پیامبران و مصلحان همواره خواسته‌اند پیروانشان را به مدارج عالی انسانی و کمال اخلاقی برسانند.

بحث اخلاقی پزشکی یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای است که سعی دارد، اخلاقیات را به صورت کاربردی در حیطه عمل پزشکان و کادر پزشکی و نیز در حوزه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در طب وارد نماید، آداب و شیوه‌های رفتاری پسندیده را آموزش داده و از اعمال نکوهیده باز دارد، دین اسلام نیز از این مهم غافل نبوده و رعایت نکات اخلاقی در پزشکی را از طریق آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم π و ائمه معصومین η بیان کرده است که سعی شده است در اینجا نظر اسلام را با تکیه بر اندیشه‌های اندیشمندان شیعی مورد بررسی قرار دهیم در این پژوهش اخلاقیات پزشکی صرفاً از دیدگاه علم اخلاق مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است از جمله یافته‌های این پژوهش آن است که در دیدگاه دینی علاوه بر اینکه موازین و اصول اخلاقی برای پزشکان معرفی شده است، آسیب‌هایی هم متوجه آنان است که راهکارهای بیان شده از طریق دین باید آن‌ها را از بین برد یا در جامعه پزشکی باید به حداقل رساند. این پژوهش بر مبنای توصیف و تحلیل مسندات قرآنی و روایی و علمی نگاشته شده است.

^۱ - حوزه علمیه معصومیه (سلام الله علیها)، شیراز، طلبه سال پنجم.

واژگان کلیدی: پزشک، طبیب، بیمار، اسلام، احکام اسلامی، طبابت.

مقدمه

امروزه در مباحث مربوط به کیفیت خدمات و مراقبت‌های درمانی، توجه به بیماران و جلب رضایت آن‌ها از اولویت‌های اصلی و مهم است. یکی از عوامل مهم رضایت‌مندی بیماران، توجه به خواسته‌ها و رعایت حقوق آن‌ها و ارائه مراقبت توأم با احترام است که به جلب رضایت آن‌ها منجر خواهد شد و در نهایت، مؤسسه درمانی به مهم‌ترین هدف خود که رضایت‌مندی بیمار از خدمات ارائه شده است، دست خواهد یافت. با آگاه شدن بیماران از حقوق قانونی خود در مراکز درمانی و مطرح شدن خواسته‌ها و توقعات آنان، باید همه کسانی که به نوعی درگیر ارائه مراقبت به بیماران هستند نیز از ضوابط و مقررات مربوط به حقوق بیماران آگاه باشند تا بتوانند در جهت تحقق این خواسته‌ها و توقعات، همچنین ارائه مراقبت بهتر و با کیفیت زیاد همراه با عزت و احترام به بیماران گام بردارند.

حقوق در تمام زبان‌ها به معنی آنچه راست و سزاوار است تعریف شده است؛ حقوق، مجموعه بایدها و نبایدهایی است که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آن‌ها هستند و دولت ضمانت اجرای آن را بر عهده دارد. بیمار مانند هر انسان دیگری نیازهایی حیاتی دارد. او به علت بیماری نمی‌تواند برخی از نیازهایش را به طور کامل تأمین کند و به کمک اطرافیان نیاز دارد. با آگاهی درباره نیازهای بیماران می‌توان آن‌ها را بهتر شناخت و راه‌های مناسب‌تری برای کمک به این افراد انتخاب کرد. شناخت این نیازها چارچوب مفیدی برای ارائه مراقبت‌های لازم خواهد بود. بنابراین، گروه مراقبت و درمان باید درباره نیازها و چگونگی ارضای آن‌ها، دانش و آگاهی کافی داشته باشند و موقعیت‌هایی را که سبب ارضای این نیازها می‌شود، بخوبی بشناسند حقوق بیمار در بیمارستان در واقع انتظاراتی است که در مراقبت مؤثر برای بیمار وجود دارد و بیمارستان مسئول تأمین این انتظارات در واقع است.

تعریف حقوق برای بیماران، وظایفی را برای ارائه دهندگان خدمات الزام آور می‌کند. به این ترتیب، رعایت حقوق بیماران صرفاً وابسته به سلیقه و میل شخصی ارائه دهندگان خدمات و دستورالعمل‌ها و بخش نامه‌ها نبوده و سیستم‌های نظارت و ارزشیابی، اجرای بند بند این حقوق را به طور مداوم پایش می‌کنند. بحث حقوق از این جهت اهمیت دارد که مددجو فقط به معنی دریافت کننده خدمات نیست بلکه یک طرف مذاکره، در خدمات و مقاصد مراقبتی می‌باشد، در واقع تبلور حقوق بیمار شامل یک سری سیاست‌ها و خط مشی‌هایی است که جهت دستیابی

به اهداف درمانی به طور هماهنگ در بخش‌های مختلف یک مرکز اجرا می‌شود و این قوانین هستند که محدوده کار مراقبتی افراد را که مجاز به انجام چه کارهایی هستند مشخص می‌نمایند.

سازمان بهداشت جهانی، حقوق بیمار را شامل مجموعه‌ای از حقوق می‌داند که افراد در سیستم ارائه خدمات بهداشتی داشته و ارائه دهندگان خدمات سلامت موظف به رعایت آن هستند. تیم درمانی مراقبتی با احترام به باورهای بیمار و با در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و نژادی بیماران، به مراقبت و حفاظت از آنان می‌پردازند رعایت حقوق، بیماران، آگاه نمودن و سهیم کردن آن‌ها را در تصمیم‌گیری بهبودی آنان را تسریع می‌نماید و دوران بستری بودن در بیمارستان را کاهش می‌دهد و در مجموع رضایت بیمار، کادر درمانی و بیمارستان را به دنبال دارد. عدم رعایت حقوق بیماران موجب پیامدهای نامطلوب می‌شود از جمله اینکه بی‌اعتمادی نسبت به کادر درمانی، عدم رضایت بیماران، اعتراض به مراجع قانونی و کاهش کیفیت مراقبت را به دنبال خواهد داشت. از آنجا که اسلام دینی کامل می‌باشد، در اسلام هرکس یا هرچیز دارای حق یا حقوقی است: خداوند، پدر، مادر، فرزند، همسایه و ... بیماران نیز از این قاعده مستثنی نیستند، برای آن‌ها حقوق خاص و مزایای مخصوصی قرار داده شده است. همچنین باید توجه داشت از جمله واجبات الهی حفظ حرمت و ارزش انسان است و رعایت شخصیت انسانی بیمار از حیث باورها، فرهنگ و اعتقادات و ضوابط اخلاقی عاملی بسیار مهم و اساسی در بهبود بیماری است. در پژوهش حاضر سعی شده است حقوق بیماران از ابعاد مختلف بر اساس آموزه‌ها و معارف اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

۱_ مفهوم شناسی

الف_ حق

حق در لغت

حق: «حَقُّهُ، حَقًّا» داد خود را گرفت، حق خود را به دست آورد «حَقُّ الْأَمْرِ» مطلب یا کار را ثابت و حقانیت آن را اثبات کرد.

«حَقُّ حَقًّا عَلَيْهِ أَنْ يَفْعَلَ كَذَا» بر او واجب شد که آن کار را انجام دهد (ریگی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۶).

حق «حَقُّهُ حَقًّا» غلبه کرد تو را به حق؛ «حَقُّ الشَّيْءِ» واجب کرد او را؛ «حَقُّ الْأَمْرِ حَقُّهُ» واجب گردیده و واقع شده است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۸).

حق در اصطلاح

حَقّ: (مصدر) واجب شدن، راست گردیدن به ثبوت پیوستن «فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ» (اعراف (۷)، آیه ۳۰). (فرقه‌ای را هدایت کرده و فرقه‌ای گمراهی را در پیش گرفتند).

حَقّ (اسم مصدر) ثابت، آنچه ثابت و مطابق واقع است؛ شایسته، روا، ضدباطل؛ حق، وصف و مصدری در قرآن، حدیث و متون فقهی، دالّ بر راستی و واقعیت می‌باشد. (حسینی دشتی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۵۸۵).

ب_ مریض

مریض در لغت

الْمَرِیضُ جمع مَرَضٍ و الْمَرَضُ جمع مَرَضٍ یعنی بیمار.

«مَرِیضٌ، مَرِاضٌ، مَرَضٌ، مَرَضٌ» یعنی بیمار؛ مَرِیضه یعنی سست حال (ریگی، ۱۳۶۶، ص ۵۳۰).

مریض در اصطلاح

بیمار یعنی مرض، ناتندرست، دردمند، سقیم، دنف. (دهخدا، ج ۳، ص ۹۸)

مریض: شکیب، بردبار، صبور، از روی بردباری، پذیرش، بیمار (معین، ۱۳۷۵، ص ۹۰).

۲_ جایگاه پزشکی در آموزه‌های اسلامی

اهمیت و ارزش هر علم و پیشه‌ای به نتیجه آن بستگی دارد، مثلاً ارزش کشاورزی برای آن است که خوراک مردمان را فراهم می‌کند. پزشکی نیز به این خاطر است که با سلامت و تندرستی و بهداشت انسان‌ها سر و کار دارد تا آنجا که گاه مرگ و زندگی فرد، در گرو خدمت و کوشش پزشکی است. بنابراین، پزشک باید با توجه به ارج و مقامی که در جامعه دارد اخلاق و خوی ویژه و شایسته‌ای نیز داشته باشد. طبیعی است که پزشک، وقتی می‌تواند از چنین ویژگی برخوردار باشد که از مادیات گامی فراتر نهاده و هدفش خدا و پاداش آن جهانی باشد (فیض، ۱۳۷۴، ص ۳۳).

۲_۱ جایگاه علم پزشکی

در اسلام به علم پزشکی و بهداشت توجه و عنایت خاصی شده است. در کتاب یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه (۱۳۶۰) یکی از اساتید مقاله جالبی نوشته است که شایسته است علاقه‌مندان به آن مراجعه کنند. در این مقاله به مواردی که در نهج‌البلاغه از طب و طبابت صحبت شده،

اشاره می شود تا آنجا که حضرت علی (ع) خود را به عنوان طبیب روح معرفی فرموده است. از حضرت امیر (ع) نقل شده که فرمود:

II العلم علمان، علم الادیان و علم الأبدان فبعلم الأديان حياة النفس و بعلم الأبدان حياة الأجساد و اعلم انّ الادیان اشرف من الأبدان و حراسة الأديان أوجب من حراسة الأبدان O (علامه مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۲۰)؛ N علم بر دو گونه است: علم دین و علم بدن. حیات روح بوسیله علم دین و حیات جسد بواسطه علم بدن است و بدان که دین بر جسد شرافت دارد و نگهداری دین از نگهداری بدن لازم تر است M.

در این حدیث، علم به علم ابدان و علم ادیان تقسیم شده است. جالب توجه است که علم الابدان، مقدم بر علم ادیان ذکر شده؛ شاید به این علت که در بین مردم معروف است: که عقل سالم، در بدن سالم است. وقتی بدن سالم باشد، انسان تفکر صحیح خواهد داشت و با کمک عقل، شناخت واقعی نسبت به دین به دست خواهد آمد. نیز در حدیث معروف از حضرت رسول اکرم O آمده است:

II تَخَلَّلُوا فَإِنَّهُ مِنَ النَّظَافَةِ وَ النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ مَعَ صَاحِبِهِ فِي الْجَنَّةِ O (مردانپور، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۱)؛ خلال کنید که آن از نظافت است و نظافت از ایمان است و ایمان با صاحب خود در بهشت است..

نظافت یکی از نشانه‌های ایمان است. افراد معتقد و مسلمان باید نظیف و تمیز باشند بدیهی است که اگر مورد فوق رعایت شود، از اشاعه و انتشار بیماری‌های واگیردار پیشگیری به عمل خواهد آمد. در همین زمینه بی‌مناسبت نیست به داستان پزشکی نصرانی هارون و الرشید اشاره کنیم.

هارون خلیفه عباسی، پزشکی حاذق داشت که نصرانی بود. روزی وی به علی بن حسن بن واقد که از دانشمندان اسلامی بود، گفت: «در قرآن از علم طب مطلبی دیده نمی‌شود و حال آن که شما می‌گویید علم دو قسم است: علم ابدان و علم ادیان؟»

علی بن حسن بن واقد به او پاسخ داد: خداوند متعال، همه طب را در نصف آیه جمع کرده و آن این است.

II كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ O (اعراف (۷)، آیه ۳۱)؛ بخورید و بیاشامید، اما اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

به راستی اگر به دستورات اخلاقی اسلام (قرآن و حدیث) عمل کنیم، اعتدال به وجود می‌آید که در اثر آن، عوامل بیماری‌زا قدرت نفوذ در بدن را نخواهد داشت، و در نتیجه شرایط ایجاد بیماری از بین خواهد رفت (فیض، ۱۳۷۴، ص ۳۵).

۲_۲_ جایگاه پزشک

در شریعت اسلام، فراگیری علوم مورد نیاز جامعه، از قبیل علم طب واجب کفایی بوده و بر تمام کسانی که توان و امکان تحصیل چنین علمی را دارند، واجب است تا حد رفع نیاز، آن را فراگیرند و نیاز جامعه را برطرف کنند. بر بیماران نیز واجب است در صورت ابتلا به امراضی که اگر درمان نکنند موجب هلاکت آنان و یا نقص عضو یا قوه‌ای از قوای جسمانی آنان می‌گردد، به طبیب مراجعه و خود را معالجه کنند و حق تعلل و کوتاهی ندارند: **II وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ تَلَقُّوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ O** (بقره (۲)، آیه ۱۹۵)؛ N در راه خدا انفاق کنید و خویشتن را بدست خویش به هلاکت میندازید و نیکی کنید که خدا M از سوی دیگر، درمان بیمار از امراضی که موجب هلاکت یا نقص عضو او می‌گردد، بر طبیب واجب است و امتناع و خودداری از درمان، علاوه بر حرمت، ضمان نیز دارد. امام صادق Φ از حضرت مسیح نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

N اگر طبیبی مداوای مجروحی را واگذارد، با واردکننده جرح شریک است، چرا که وارد کننده جرح، قصد آسیب مجروح را داشته و کسی هم که توانایی مداوا دارد ولی از معالجه امتناع می‌ورزد، ناگزیر همان را خواسته است M (نساء (۴)، آیه ۴۳).

یعنی همان طور که وارد کننده جرح مقصر و ضامن است، طبیب ممتنع نیز ضامن است: N در حوزه علوم بشری نیز، پزشکی سرآمد دانش‌هاست؛ چرا که فلسفه سایر علوم، بهره‌وری انسان از مواهب زندگی است و این هدف، جز در پرتو سلامت جسم و روان، میسر نیست M (بقره (۲)، آیه ۱۸۴).

رُهاوی در بیان منافع علم پزشکی می‌نویسد:

«نخستین سودی که فهم از طریق طب بدان نایل می‌شود اقرار به وحدانیت خدای متعال و شناخت حکمت لطیف و قدرت والا حسن عنایت به سایر خلائق است. چرا که وقتی آدمی به آمیختگی ممتازجات و ترکیب مرکبات از سایر محسوسات جامد با توجه به اختلاف انواع آن‌ها، و به موجودات نباتی با وجود کثرت شاخه‌های آن‌ها، و به حیوانات با وجود تباین انواع آن‌ها، می‌نگرد و سپس بدانچه مختص هر نوعی از آن‌ها و خصوصاً ویژه نوع انسان است می‌اندیشد، و آنگاه به شناخت ذات خود می‌پردازد و در مزاج خود و اعضای خویش، با آن همه اشکال و

مقادیر و وضع پیوستگی و گسستگی و افعال و منافع و نظایر این‌ها تأمل می‌ورزد، به خوبی از حکمت آفریدگار متعال به این نکته پی می‌برد که او خالق است یگانه، توانا و دانا که برای مخلوقاتش استوارترین و مطمئن‌ترین و نیکوترین و بهترین چیز را خواسته است و ثمره و نفع همین نکته برای انسان خردمند کافی است M (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)..
افزون بر این، زمینه‌های توجه به خدا در حرفه پزشکی فراوان است. پزشک، خصوصیات و ریزه کاری‌های بدن انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهد و در طول دوران آموزش و حتی در هنگام درمان، به طور مداوم با پیچیدگی‌های نظام خلقت سر و کار دارد و این مسئله باعث می‌شود که بیش از سایر افراد به عظمت آفرینش آگاهی داشته باشد (فیض، ۱۳۷۴، ص ۳۶).

۲_۳_ جایگاه بیمار

واژه «مرض»، ۲۴ مرتبه در قرآن به کار رفته که ۱۲ مرتبه درباره بیماران جسمی و احکام آنان و ۱۲ مرتبه درباره بیماران روحی و گفتار و رفتار آنهاست. کلمات «مریض» و «مرضی» در قرآن، مربوط به بیماران جسمی و بیماری و عبارت:

Π فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ O (بقره ۲)، آیه ۱۰؛
در خصوص بیمار دلان و به ویژه مناطق آن به کار رفته است.

دسته اول مشمول رحمت و رأفت الهی بوده و خداوند تکالیف شرعی همچون نماز، روزه، حج و جهاد را بر آنان سهل و آسان گرفته و گروه دوم به کیفر سخت و شدید الهی در دنیا و آخرت تهدید شده‌اند.

از آیات و روایات چنین در می‌آید که خداوند هرگونه تکلیفی که موجب عسر و حرج گردد، از بیماران و معلولان برداشته است. ده آیه از قرآن، احکام این گروه را بیان می‌کند، مانند اینکه بیمار می‌تواند به جای وضو تیمم کند، بیمار لازم نیست هنگام نماز بایستد و کافی است به هر شکل که می‌تواند نمازش را بخواند، حتی خوابیده بر تخت، بیمارانی که روزه برای آنها ضرر دارد و یا ممکن است منجر به تشدید بیماری آنها شود، از روزه گرفتن معافند و پس از بهبودی آن را به جا می‌آورند، جهاد از بیماران و معلولان برداشته شده است.

شاید بتوان از آیات فوق، چنین استنباط نمود که اگر خداوند در واجبات خود، به بیماران تخفیف ویژه داده است، باید قوانین جامعه اسلامی نیز برای این گروه شرایط ویژه قائل شود و احاد جامعه و حکومت اسلامی، آنچه را موجب عسر و حرج برای بیماران می‌شود، از آنان بردارند، چه در امر درمان و هزینه‌های آن، چه در محیط کار و شرایط آن، چه در زندگی و

امکانات آن امیر المومنان علی (ع) در نامه خود مالک اشتر، یکی از وظایف حاکم اسلامی را رسیدگی به افراد رنجور و ناتوانی می‌شمرد که در اثر بیماری از پا افتاده و زمین‌گیر شده‌اند:

II اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ O (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از خدا بترس درباره ی زبردستان بیچاره و تهیدستان نیازمند و افراد گرفتار و بیمار. و ادامه همین بخشنامه حکومتی می‌نویسد هنگامی که نماز را به جماعت با مردم می‌خوانی آن را طولانی مکن، زیرا برخی از نمازگزاران بیمارند و توان نماز طولانی ندارند.

در روایات، عیادت از بیماران و رسیدگی به امور آنان مورد تأکید فراوان است II مِنَ مَكْرَمَةِ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ أَنْ يَقْبَلَ تَحْفَتَهُ وَأَنْ يَتَّحِفَهُ بِمَا عِنْدَهُ... O (علامه مجلسی، ج ۷۲، ص ۴۵۴) و یکی از حقوق برادران دینی شمرده شده است. رسول خدا نیز شخصا به دیدن بیماران می‌رفت و با سخنان خود به آنان آرامش می‌داد (جوهری، ۱۳۸۵، ص ۵۴)

۳_ وظایف پزشک در برابر بیمار

رابطه بیمار و پزشک و حقوق متقابل آن‌ها در برابر یکدیگر گرچه دارای پیچیدگی‌ها فراوانی است اما گستردگی آن باعث شده که تمامی افراد جامعه تا حد زیادی با این موضوع روبرو شده باشند، پزشکان نسبت به بیماران وظایفی را به عهده دارند که در صورت عدم رعایت آن‌ها و تخلف در انجام وظایف خود؛ بیماران آن‌ها می‌توانند از آنها شکایت کنند، انتظار بیمار از پزشک، داشتن دقت و مهارت است و داشتن خصوصیات اخلاقی زیر:

۳_۱_ تقوا:

واژه تقوا است که حدود ۲۵۰ مرتبه به کار رفته است. برخی اهل لغت، تقوا را به پروا و پرهیز معنا کرده‌اند و برخی، ترس و هراس را که در برخورد با امور ناگوار پدید می‌آید، در معنای این واژه دخالت داده و تعبیر «خدا ترسی» را در ترجمه تقوی الله به کار می‌برند اما به نظر می‌رسد تقوای الهی به معنای پارسایی، خویشن‌بانی و خویشن‌داری از کارهای ناپسندی است که قهر و غضب الهی را به دنبال دارد اینک به تقوا داشتن پزشکان می‌پردازیم که اهمیت و ضرورت تقوا همین بس که بدون آن، اخلاق و ایمان مفهومی ندارد همان طور که امیرمؤمنان (ع) فرمودند: «پرهیزکاری پیشوای اخلاقیات است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۸۴). به چند مؤلفه تقوا پرداخته می‌شود از جمله:

۳_۱_۱_ تقوا مداری

داشتن اهداف مادی صرف، مانند رسیدن به جاه، مقام، دارایی و نوآوری، از نظر اسلامی نکوهیده است و اگر پزشکی چنین نگرشی داشته باشد، خوشبخت و خوش عاقبت نخواهد بود. تقوا برترین فضیلت است II إِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى... O (بقره ۲)، آیه ۱۹۷). و انسان‌های باتقوا، برترین جایگاه را در نزد خداوند دارا هستند: II إِنَّ أَكْرَمَكُمْ لَانْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ... O (حجرات ۴۹)، آیه ۱۳)، بنابراین، کسی که شغل پزشکی را برمی‌گزیند، باید:

۱_ تقوای خدا پیشه کند تا آنجا که برای بیمارانش الگویی از درستی و فضیلت باشد..
۲_ در کار خود حاذق و کارآزموده بوده، امین و درستکار باشد و نسبت به بیماران، خوشرویی و مهربانی بورزد. امام علی (ع) فرموده است: «هرکه پزشکی پیشه کند، باید خدا ترس باشد و به دیگران پند دهد و برای افزودن بر دانش خود کوشش کند» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۶۲، ص ۷۴).
برخی از صاحب نظران در دانش پزشکی می‌گویند: اگر پزشک بخواهد افزوده‌های دانش روز را دنبال کند، باید در هر شبانه روز، چند ساعت از وقت خود را صرف مطالعه تازه‌های پزشکی کند

استاد مطهری در این زمینه می‌نویسد:

«تقوا در نهج البلاغه، نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین زیاد پدید می‌آید و پرهیزهای معقول و منطقی، از یک طرف سبب و مقدمه پدید آمدن این حالت روحیتان است و از طرف دیگر معلول و نتیجه آن است و از لوازم آن به شمار می‌رود این حالت، رو را نیرومند و شاداب می‌کند و به آن مصونیت می‌دهد انسان که از این نیرو بی‌بهره باشد، اگر بخواهد خود را از گناهان مصون و محفوظ بدارد چاره‌ای ندارد جز اینکه خود را از موجبات گناه دور نگه دارد، و چون همواره موجبات گناه در جامعه وجود دارد، و چون همواره موجبات گناه در جامعه وجود دارد، و چون همواره موجبات گناه در جامعه وجود دارد ناچار است از محیط کنار بکشد و انزوا و گوشه‌گیری اختیار کند» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۳، ص ۶۹۳).

مطابق این منطق یا باید متقی و پرهیزکار بود و از محیط کناره‌گیری کرد و یا باید وارد محیط شد و تقوا را بوسید و کنار گذاشت. طبق این منطق هرچه افراد اجتناب کارتر و منزوی‌تر شوند جلوه تقوایی بیشتری در نظر مردم عوام پیدا می‌کنند. اما اگر نیروی تقوا در روح فردی پیدا شد، ضرورتی ندارد که ماهیت را رها کند، زیرا بدون رها کردن محیط، خود را پاک و منزله نگه می‌دارد.

دسته اول مانند کسانی هستند که برای پرهیز، به دامنه کوهی پناه می‌برند و دسته دوم مانند کسانی هستند که با تزریق نوعی واکسن، در خود مصونیت به وجود می‌آورند و نه تنها

ضرورتی نمی‌بینند که از شهر خارج شوند و از تماس با مردم پرهیز کنند، بلکه به کمک بیماران می‌شتابند و آنان را نجات می‌دهند (فیض، ۱۳۷۴، ص ۳۳).

۳_۱_۲_ فضیلت تقوا برای پزشک

فضیلت تقوا برای پزشک در دنیای امروز، رعایت اخلاق پزشکی با انگیزه‌های مختلف صورت می‌گیرد هرچند بیماران در هر حال از رفتار شایسته سود می‌برند؛ پایبندی دینی به تعهدات حرفه‌ای، همان تقوای پزشکی است که در خلوت و جلوت و با وجود نظارت یا عدم نظارت قانون، انسان را به انجام شایسته و دقیق وظایف و می‌دارد امام علی (ع) در سخنی نغز و کوتاه ولی پر مغز و پرمعنا، اولین توصیه‌ای که به پزشکان فرمودند تقوای الهی بود: هر که طبابت را پیشه خود ساخت، تقوای الهی را مراعات کند، خیرخواه مردم باشد و در تحصیل علم و معالجه بیمار جدیت نماید.

تقوا یک فضیلت فردی در ارتباط شخص با خدا نیست، بلکه همه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد، پزشک با تقوا، افزون بر انجام وظایف شخصی، ملزم به رعایت تقوا در اقدامات درمانی است. تقوا مداری، بیمار را به بنده خدا معرفی کرده و تلاش در جهت سلامتی بندگان خدا را مایه تقرب به خدا و عامل کمال روی پزشک می‌داند. البته تقوای حرفه‌ای بدون تقوی فردی حاصل نمی‌شود. پزشکی که نفس خود را با تقوای الهی حفظ نکند، حرفه‌اش برای او آفت می‌شود، چون نفس آدمی آن‌گاه که به وسیله تقوا مهار نگردد، در خدمت هوا و هوس قرار گیرد و موجبات بدبختی انسان را فراهم سازد و تصمیمات اخلاق پزشکی در حیطه عملکرد طبی، خوب یا بد، صحیح یا نادرست، و باید و نبایدها را مشخص می‌کند (لاریجانی، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

۳_۲_ کرامت انسانی

انسان از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است، خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۰) حق کرامت یا حرمت داشتن اشخاص در جامعه همانند حق حیات از موارد بسیار مهم در زندگی اجتماعی است. انسان یک موجود اجتماعی است و هنگامی می‌تواند به رشد و تکامل مورد نظر خویش برسد که بتواند از مواهب و نعمات الهی اعم از مادی و معنوی فردی و اجتماعی استفاده کند (صادقی، ۱۳۸۸، ص ۱۰) لذا برای ایجاد بستر مناسب جهت تکامل انسان در درجه نخست بایستی حرمت و احترام اجتماعی انسان که نیاز طبیعی و فطری اوست صیانت گردد و مورد تحقیر واقع نشود (شجاعی و قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۳۴). انسانی که هتک حرمت شود و مورد انواع و اقسام توهین‌ها قرار گیرد فاقد

شخصیت خواهد شد و دچار تزلزل و ناامیدی می‌گردد. در مرحله بعد بایستی این امکان برای همه انسان‌ها فراهم شود که بتوانند از امکانات و نعمات موجود در راستای نیل به تعالی و کمال مطلوب بهره گیرند، حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است: هرگاه با او دیدار کردی، بر وی سلام کن؛ هرگاه دعوت کرد، بپذیر؛ هرگاه مشورت خواست، برایش خیرخواهی کن؛ هرگاه عطر زد و حمد خدا گفت، برایش عافیت بخواه؛ هرگاه بیمار شد، عیادتش کن؛ هرگاه مرد، او را تشییع کن (مشایخی راد، ۱۳۸۸، ص ۵۳)

اسلام و قرآن، یکی از بدیهی‌ترین حقوق انسان، حفظ اوست که همه «کرامت» انسان‌ها و همه دین‌ها در مورد این حق اتفاق نظر دارند. کرامت، صفتی است که همه انسان‌ها را فرامی‌گیرد و جزو ماهیت انسان به شمار می‌آید؛ زیرا کرامت، یک حق خدادادی انسان است، چنان که خداوند در قرآن کریم اشاره می‌کند:

II وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ

مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا O (اسراء (۱۷)، آیه ۷۰)؛ «ما فرزندان آدم را بسیار گرمی داشتیم و آن‌ها را در

خشکی و دریا جابه جا کردیم و از غذاهای پاکیزه به آن‌ها روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «خدای پاک از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند، انجام دهند و عهده‌ی را که پذیرفته‌اند، بدان وفا کنند، این گونه که بر آدم سجده کنند و او را بزرگ شمارند» (کاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵) براین اساس هر انسان کرامت والایی دارد و خداوند به هر انسان با هر ویژگی، ارزشی برابر تمامی انسان‌های دیگر داده است، و مبنای تصمیم‌گیری درباره جسم و جان انسان باید این کرامت انسانی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹)..

۳_۲_ برقراری ارتباط مناسب با بیمار

ارتباط بین پزشک و بیمار در قلب طبابت جای دارد و محور همه اقدامات بالینی و سنگ زیربنای فعالیت خوب پزشکی توصیف شده است برقراری ارتباط مؤثر به طور وسیعی به عنوان یک شاخص کلیدی جهت رضایت، همکاری و التیام بیمار در نظر گرفته شده است و توانایی برقراری ارتباطی مؤثر با دیگران قلب تمامی مراقبت‌ها از بیماران محسوب می‌گردد.

در حقیقت جلوه‌گاه کرامت اخلاقی در دنیای پزشکی در مرحله حساس و سرنوشت‌ساز برخورد پزشک با بیمار است. هر قدر این برخورد انسانی، اخلاقی، عاطفی و صمیمانه، شکوهمند و شرافتمندانه و احترام‌آمیز باشد، حصول آرمان‌های مقدس پزشکی و امنیت روانی و جسمی

بیمار و رضایت خاطر او و اطرافیانش قطعی تر خواهد بود (زراعتکار و محمودیان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳) از عهد باستان پزشکان تشخیص داده‌اند که سلامتی و بهبود بیماران به تلاش توأم با همکاری پزشک و بیمار بستگی دارد.

بیماران در برابر سلامتی خود با پزشکان مسئولیت مشترک دارند. این یک اصل شناخته شده است که لازمه مراقبت پزشکی موفقیت‌آمیز، همکاری مستمر بیماران و پزشکان است. پزشک و بیمار در یک شراکت تعهداتی را پذیرفته‌اند و چنان به هم پیوند خورده‌اند که ایجاب می‌کند هر دو در روند معالجه نقش فعال داشته باشند (علی اکبری، ۱۳۸۸، ص ۷).

در روایات اسلامی، از یک سو به بیمار توصیه می‌شود که بیماری خود را از پزشک، کتمان نکند، چنان که امام علی (ع) می‌فرمایند: «هرکس درد نهفته خویش را پنهان بدارد، طبیبش از درمان وی ناتوان می‌ماند»؛ و نیز در جای دیگری می‌فرمایند: «هرکس بیماری خود را از طبیبان پنهان دارد، بر بدن خویش خیانت روا داشته است» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲) و از سوی دیگر به پزشکان توصیه می‌شود که با بیماران خود رفتار مناسبی داشته باشند.

وقتی جامعه پزشکی به درمان بیماری می‌پردازد، کاری الهی می‌کنند و لازم است که هم دقت در کار خود داشته باشند و تقوای الهی را مراعات کنند تا به کمک آن ارزش معنوی را تکمیل کنند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۸۸). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مثل طبیبی مهربان باش، همان طبیبی که بیمار را دوايي سودمند معالجه می‌کند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۳) امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «هرگز بیمار را به ستوه نیاورید و او را نرنجانید» همچنین حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «هرکس به خدمات پزشکی می‌پردازد باید تقوی خدا پیشه کند، نهایت تلاش را در دوران خدمتش بکند و به دیگران نیز بیاموزد» (عاملی، ۱۳۸۶، ص ۵۱).

۳_۴_ رازداری

حفظ اسرار بیماران و خودداری از افشای آن، پایه و اساس رابطه مطمئن بین پزشک و بیمار را تشکیل می‌دهد. در واقع، الزام پزشک و دیگر پرسنل درمانی به رعایت رازداری در حرفه خود، کلیه حقایقی که در حین انجام کار آشکار شده است را در برمی‌گیرد. رازداری در حرفه پزشکی یک اصل بنیادی و یک قاعده اساسی در رابطه پزشک و بیمار است که هم تأمین

کننده منافع فردی است و هم مصالح اجتماعی را به دنبال دارد (علی اکبری و توکل، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

یکی از مهمترین وظایف اخلاقی در حیطه پزشکی رعایت رازداری است. بر اساس دستورات و تعالیم دین مبین اسلام وقتی رازی با فرد مسلمان در میان گذاشته شود، آن فرد مسلمان لازم است نگهبان آن راز بوده و از این امانت پاسداری نماید و تحت هیچ شرایطی در حفظ و نگهداری این امانت خیانت نکند، به طوری که از نظر دین اسلام یکی از علائم و نشانه‌های ایمان در فرد مسلمان حفظ اسرار مردم محسوب می‌شود (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۲۴۶). در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که: «مردم به دو خصلت بنیادین و سرنوشت ساز امر شده‌اند ولی آن دو را ضایع کردند و بدین جهت از اعتبار لازم برخوردار نیستند، یکی شکبیایی و مقاومت و دیگری کتمان اسرار مردم و رازداری است» (کلینی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۲) امام علی (ع) فرمودند: «پیروزی در دوراندیشی و دوراندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به رازداری است» همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکس راز مسلمانی را بیوشاند خداوند در دنیا و آخرت راز او را می‌پوشاند»

پزشکان به عنوان یک فرد مسلمان و هم با توجه به شرایط خاص ایشان تکلیف بزرگی برعهده دارند که آن‌ها را موظف به حفظ راز مردم می‌داند. تا حدی که بر اساس اصول فقه دین اسلام افشای راز بیماران خیانت در امانت‌داری محسوب می‌شود و جایز نیست همچنین در صورتی که افشای راز منجر به بروز صدمات بیمار شود، پزشک ضامن می‌باشد و باید خسارت وارده را تا حد امکان جبران نماید (پارسا، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ص ۵).

۳_۵_ حریم خصوصی

حفظ حریم یکی از حقوق اساسی بیمار است. با این حال هنوز توجه به جنبه‌های روانی در بسیاری از مراکز درمانی ضعیف است و به ویژه توجه اندکی به حریم خصوصی می‌شود، احترام به حریم خصوصی بیمار باید به هنگام مراقبت از وی، رفع حاجت، مشاوره‌ها و معاینات پزشکی، درمان‌های قبل و بعد از عمل، رادیوگرافی، حمل با برانکارد و در هر لحظه از اقامت او در بیمارستان مدنظر قرار گرفته و رعایت شود. با شخص بستری در بیمارستان باید با احترام رفتار شود و نباید از صحبت‌ها و رفتارهای کنایه‌آمیز و دوپهلوی از سوی کارکنان در رنج و زحمت باشد (علی اکبری و توکل، ۱۳۸۸، ص ۶۷).

رعایت حریم بیماران عامل ضروری در ایجاد مراقبت بیمار محور، فردگرا و اخلاقی است. این فرآیند شامل حفاظت از تمامیت اخلاقی بیمار تیم درمان است. حریم شخصی یک احساس کنترل شخصی و فرصتی برای ارزیابی و رهایی از توقعات اجتماعی و موقعیتی برای سهیم کردن اطلاعات خود است.. حریم دارای ابعاد فیزیکی، اجتماعی، اطلاعاتی و روحی روانی می باشد، بعد فیزیکی حریم مربوط به مواردی همچون حفظ فاصله شخصی، پوشیدگی بیمار را لمس است.

در فعالیت های مراقبتی تمرکز زیادی برای حفظ حریم فیزیکی بیمار با ارائه پوشش مناسب حفظ حریم خلوت بیماران در حیطه روحی و روانی نیاز به حفظ شریعت و ایجاد استقلال در فرد می باشد که موقعیتی برای رهایی عاطفی فرد، نیاز به خود ارزشیابی و ایجاد شرایط که ارتباطات افراد محدود و مورد محافظت قرار گیرد فراهم می کند. خداوند در قرآن می فرماید:

II يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلََّا تَجَسَّسُوا وَلََّا يَغْتَبَّ بَعْضُكُم

بَعْضًا أَيْحَبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ O

(حجرات (۴۹)، آیه ۱۲)؛ «ای اهل ایمان از بسیاری بیماری ها و زن و مرد در حق یکدیگر

بپرهیزید و به داروها معصیت است و نیز هرگز از حالت معمولی تجسس نکنید از خدا بترس و

توبه کنیم که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است»

شارع مقدس در سوره ها و طی آیات مختلفی از عدم ورود به حریم خصوصی افراد تأکید داشته است و در قرآن سفارش فراوان شده و افراد را از ظن و گمان بد برحذر داشته است چه رسد به عمل بد (پارسا، ج ۱۳، ۱۳۸۸، ص ۵).

۳_۶_ حقیقت گویی

امانتداری، صفات دیگر اخلاقی را نیز در پی دارد از جمله مهمترین آن ها، صداقت و راستگویی است

امام علی (ع) می فرماید: II الْأَمَانَةُ تُؤَدِّي إِلَى الصِّدْقِ.... O؛ امانت به صداقت منجر می گردد.

در بسیاری از روایات نیز، امانتداری و راستگویی در کنار هم و به عنوان دو فضیلت مهم از مکارم اخلاق پیامبران و دو شاخصه بارز اهل ایمان مطرح شده است

II إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ ، فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ

فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ، وَالْقَنَاعَةُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ،

و الْحِلْمُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالسَّخَاءُ وَالْغَيْرَةُ وَالشَّجَاعَةُ، وَالْمُرُوءَةُ O (نهج البلاغه، خطبه ۹۱) «خدای

تبارک و تعالی رسول خدا O را به مکارم اخلاق مخصوص گردانید. پس شما نیز خود را بیازمایید، اگر این صفات در شما بود خدای عزوجل را سپاس گوئید و از او این مکارم را بیشتر بخواهید. سپس آن ده خصلت را برشمردند. یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوش اخلاقی، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی».

گفتن حقیقت به بیمار، گرچه خبر بد باشد، در اخلاق پزشکی امروز به عنوان یکی از حقوق بیمار مطرح است؛ زیرا در صورت امکان درمان، بیمار به دستورات پزشک به دقت عمل می‌کند و در مسیر بهبود قرار می‌گیرد و اگر امیدی به درمان نیست؛ برای رفتن آماده می‌شود و در ادای دیون دنیوی، دینی و تعیین تکلیف اموال منقول و غیرمنقول خود اقدام می‌کند، بر اساس آموزه های قرآنی، وصیت کردن از حقوق مومنان است و پزشک با بیان حقیقت بیماری به نحوی مناسب، بیمار در انجام این دستور دینی یاری می‌کند تا حقی از کسی ضایع نشود (علی اکبری، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

نتیجه گیری

– حق در لغت: یعنی داد خود را گرفتن، حق خود را به دست آوردن؛ در اصطلاح: یعنی آنچه ثابت و مطابق واقع است.

– اهمیت و ارزش هر علم و پیشه‌ای به نتیجه آن بستگی دارد.

– در اسلام به علم پزشکی و بهداشت توجه و عنایت خاصی شده است.

– در شریعت اسلام، فراگیری علوم مورد نیاز جامعه، از قبیل علم طب واجب کفایی بوده و بر تمام کسانی که توان و امکان تحصیل چنین علمی را دارند، واجب است تا حد رفع نیاز، آن را فراگیرند و نیاز جامعه را برطرف کنند.

– بیماران واجب است در صورت ابتلا به امراضی که اگر درمان نکنند موجب هلاکت آنان و یا نقص عضو یا قوه‌ای از قوای جسمانی آنان می‌گردد، به طبیب مراجعه و خود را معالجه کنند و حق تعلل و کوتاهی ندارند.

– پزشکان نسبت به بیماران وظایفی را به عهده دارند که در صورت عدم رعایت آن‌ها و تخلف در انجام وظایف خود؛ بیماران آن‌ها می‌توانند از آنها شکایت کنند.

– تقوا را به پروا و پرهیز معنا کرده‌اند و برخی، ترس و هراس را که در برخورد با امور ناگوار پدید می‌آید.

– داشتن اهداف مادی صرف، مانند رسیدن به جاه، مقام، دارایی و نوآوری، از نظر اسلامی نکوهیده است و اگر پزشکی چنین نگرشی داشته باشد، خوشبخت و خوش عاقبت نخواهد بود. تقوا برترین فضیلت است.

– فضیلت تقوا برای پزشک در دنیای امروز، رعایت اخلاق پزشکی با انگیزه‌های مختلف صورت می‌گیرد هرچند بیماران در هر حال از رفتار شایسته سود می‌برند؛ پایبندی دینی به تعهدات حرفه‌ای، همان تقوای پزشکی است.

– انسان از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است، خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است.

– ارتباط بین پزشک و بیمار در قلب طبابت جای دارد و محور همه اقدامات بالینی و سنگ زیربنای فعالیت خوب پزشکی توصیف شده است.

– حفظ اسرار بیماران و خودداری از افشای آن، پایه و اساس رابطه مطمئن بین پزشک و بیمار را تشکیل می‌دهد.

– یکی از مهمترین وظایف اخلاقی در حیطه پزشکی رعایت رازداری است. بر اساس دستورات و تعالیم دین مبین اسلام وقتی رازی با فرد مسلمان در میان گذاشته شود، آن فرد مسلمان لازم است نگهبان آن راز بوده و از این امانت پاسداری نماید و تحت هیچ شرایطی در حفظ و نگهداری این امانت خیانت نکند.

– حفظ حریم یکی از حقوق اساسی بیمار است. با این حال هنوز توجه به جنبه‌های روانی در بسیاری از مراکز درمانی ضعیف است و به ویژه توجه اندکی به حریم خصوصی می‌شود، احترام به حریم خصوصی بیمار باید به هنگام مراقبت از وی باشد.

– امانتداری، صفات دیگر اخلاقی را نیز در پی دارد از جمله مهمترین آن‌ها، صداقت و راستگویی است.

– گفتن حقیقت به بیمار، گرچه خبر بد باشد، در اخلاق پزشکی امروز به عنوان یکی از حقوق بیمار مطرح است.

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

الف - کتب فارسی:

- ۱_ جعفری تبریزی، محمدتقی؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین سیاح، احمد سیاح، قم، اسلام، ۱۳۸۷ چاپ هفتم، ه.ش.
- ۲_ جوهری، شکیبا سادات؛ فرشته مهر، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.ش
- ۳_ حسینی‌دشتی، سیدمصطفی، معارف معاریف جامع اسلامی، قم مؤسسه فرهنگی آرایه، ج ۴، ۱۳۶۹.ش.
- ۴_ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات ایران، ج ۳، ۱۳۷۷.ش.
- ۵_ عاملی، جعفرمرتضی، آداب طب و پزشکی در اسلام، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۶.ش.
- ۶_ علی اکبری، فاطمه؛ حقوق و مسئولیت‌های بیمار، تهران، انتشارات بشری، ۱۳۸۸.ش
- ۷_ فیض، دکتر ابوالحسن؛ آیین پزشکان مسلمان یا اخلاق پزشکی در اسلام، مشهد، آستان قدس رضوی پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴.ش.
- ۸_ کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی، سید جواد مصطفوی، ج ۲، تهران، موسسه الوفاء، ۱۳۸۲.ش.
- ۹_ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحارالانوار، موسوی همدانی، تهران، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر علیه السلام ، ج ۱، ۱۳۶۳.ش.
- ۱۰_ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحارالانوار، موسی خسروی، تهران، اسلامیه، چاپ ۲، ج ۷۲، ۱۳۷۹.ش.
- ۱۱_ محمدی‌ری‌شهری، محمد؛ دانش‌نامه احادیث پزشکی، حسین صابری، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۴.ش.
- ۱۲_ محمدی‌ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکم، حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ج ۱۱، ۱۳۸۵.ش.

- ۱۳- مردانپور، حسین؛ طب النبی π ، قم، اسماء الزهراء، چاپ ۱۲، ج ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.
- ۱۴- مطهری، مرتضی؛ انسان در قرآن، چاپ هشتم، تهران، صدرا، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۱۵- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار ۲۳، تهران، صدرا، ج ۲۳، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، تهران، نشر دیبا، ۱۳۷۵ ه.ش.

کتاب عربی:

- ۱- بندرریگی، محمد، فرهنگ جدید عربی به فارسی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۶ ه.ش.
- ۲- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت، الوفاء، چاپ دوم، ج ۶۷، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۳- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الانوار، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ ۵، ج ۶۲، ۱۳۸۹ ه.ش.

مجلات:

- ۱- پارسا، مجتبی؛ حریم خصوصی و رازداری در پزشکی و جنبه های مختلف آن. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۳، ج ۱۳، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله؛ حق و تکلیف در اسلام، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ۳- زراعتکار مریم، محمودیان فرزاد، بررسی اخلاق طبابت در برخی از متون کهن ایران و اسلام. فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره ۷، جلد ۱۴۱، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۴- شجاعی، امیر محمد؛ قراملکی، احد فرامرزی؛ اخلاق در نجات مصدومین مجرم: مبانی فلسفی و دینی، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. شماره ۴، ج ۲۹، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۵- صادقی تابنده، شان و منزلت بیمار، بررسی متون مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۱، جلد ۹، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۶- کاملی، ابراهیم؛ کرامت انسانی در حکومت امام علی، مجله طوبی. شماره ۱، ۱۳۸۵

۷_ لاریجانی، باقر؛ منشور حقوق بیمار در ایران، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، ویژه نامه ۳۹، ۱۳۸۸.ش

۸_ مشایخی راد، شهاب الدین؛ کرامت انسان از دیدگاه خاتم پیامبران، قم، موسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۸.ش.